

فصلنامه علمی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال یازدهم، شماره بیست و پنج، زمستان ۹۹، صفحات ۱۴۹-۱۷۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۰۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۴/۱۰

رسول زاده و دین اسلام (تحلیلی بر جایگاه دین اسلام در اندیشه و عمل سیاسی محمدامین رسول زاده)

محمد مهدی مرادی خلج^۱

فرهاد نوبخت^۲

چکیده

این مقاله که با هدف بررسی اندیشه و عمل سیاسی محمدامین رسول زاده در عرصه دین اسلام انجام شده است، در صدد است به این سوالات پاسخ دهد که دین اسلام چه جایگاهی در اندیشه محمدامین رسول زاده داشته است؟ و مهم‌ترین شاخصه‌های رفتار سیاسی رسول زاده در عرصه دین اسلام کدام‌اند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رسول زاده با وجود این که بر نقش و اهمیت دین اسلام در زندگی شخصی و اجتماعی انسان تأکید داشت، اما شرایط سیاسی و اجتماعی قفقاز و نیز برخی پیش‌فرض‌های ذهنی مانند تأثیرپذیری از روشنفکران عصر خود، باعث شد که وی از دین اسلام در راستای اهداف سیاسی و ناسیونالیستی خود نیز بهره جوید. او از ظلم و استعمار تزارسیم علیه مسلمانان روسیه و قفقاز در راستای اهداف و آمال سیاسی خود استفاده نموده و از هیچ کوششی در راستای تطبیق اسلام با اندیشه‌های سوسیالیستی و ناسیونالیستی و نیز تفسیر ناسیونالیستی از مسئله اتحاد اسلام فروگذار نمی‌کرد. روش پژوهش در این نوشتار، توصیفی تحلیلی با تکیه بر آثار محمدامین رسول زاده و اسناد تاریخی است.

واژگان کلیدی: رسول زاده، دین اسلام، سوسیالیسم، ناسیونالیسم، پان‌اسلامیسم.

mm_mkhalaj@yahoo.com

۱ - دانشیار دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۲ - کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) farhadnobakht820@yahoo.com

Rasoul Zadeh and the Religion of Islam

(An Analysis of the Position of Islam in the Political Thought and Action of Mohammad Amin Rasoul Zadeh)

M. M. Moradi Khalaj¹

F. Nobakht²

Abstract

This article, which aims to examine the political thought and action of Mohammad Amin Rasoul Zadeh in the field of Islam, seeks to answer the questions of “What place did Islam have in the thought of Mohammad Amin Rasoulzadeh?”, and “What are the most important features of Rasoul Zadeh's political behavior in the field of Islam?” Findings show that although Rasoul Zadeh emphasized on the role and importance of Islam in the human personal and social life, but the political and social conditions of the Caucasus and his mental assumptions such as being influenced by the intellectuals of his time, caused him to use Islam for his own political and nationalist goals. He used the oppression and colonialism of Tsarism against the Muslims of Russia and the Caucasus for his own political goals and aspirations, and spared no effort to reconcile Islam with the socialist and nationalist ideas. He had a nationalist interpretation of the issue of Islamic unity. The research method in this paper is descriptive-analytical using the works of Mohammad Amin Rasoul Zadeh and the available historical documents.

Keywords: Rasoul Zadeh, Islam, Socialism, Nationalism, Pan-Islamism.

1 - Associate Professor Shiraz University, Shiraz, Iran
mm_mkhalaj@yahoo.com

2 - Master of History in Islamic Iran, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding Author)
farhadnobakht820@yahoo.com

مقدمه

تحقیق و مطالعه در مورد اندیشه و عملکرد اندیشمندان و روشنفکران جوامع اسلامی درباره دین اسلام، همواره یکی از موضوعات مهم و بحث‌برانگیز در دوره معاصر بوده است. قفقاز جنوبی نیز از جمله مناطق مهم جهان اسلام است که با وجود تحقیقات و پژوهش‌های قابل توجه، هنوز برخی از جنبه‌های اصلی اندیشه‌های روشنفکران و اندیشمندان آن درباره دین اسلام نیازمند بحث و بررسی است. این خطه از جهان اسلام پس از آن که با قراردادهای گلستان و ترکمان‌چای به کنترل روسیه تزاری درآمد، با بهبود نسبی شرایط اقتصادی حاصل از استخراج نفت، زمینه مساعدی را برای ورود اندیشه‌های جدید فراهم آورد. این تحولات از یک سو با رواج اندیشه‌های غربی مانند سوسیالیسم، ناسیونالیسم، لیبرالیسم و از سوی دیگر به علت مصادف شدن با برخی از جنبش‌های دینی ضد استعماری مانند پان‌اسلامیسم، دین اسلام و مواجهه آن با این تحولات را به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اندیشه و افکار روشنفکران مسلمان قفقاز تبدیل کرد. میرزا فتحعلی آخوندزاده، از اولین روشنفکران مسلمان قفقاز است که درباره اندیشه‌های جدید و دین اسلام به موضع‌گیری پرداخت. رویکرد وی از یک طرف رنگ و بوی مخالفت با اسلام و تلاش برای جایگزینی سکولاریسم و لیبرالیسم در جوامع اسلامی بود و از طرف دیگر با ناسیونالیسم باستان‌گرای ایرانی آمیخته شده بود. بعد از آخوندزاده اندیشه و عملکرد روشنفکران مسلمان قفقاز در قبال دین اسلام شکل متفاوت‌تری به خود گرفت. رویکرد روشنفکرانی مانند علی‌بیگ حسین‌زاده و احمد آقاوغلو برخلاف آخوندزاده، تطبیق و سازگاری اسلام با ایدئولوژی‌های غالب زمان و از سوی دیگر با ناسیونالیسم ترکی همراه بود. محمدامین رسول‌زاده^۱ (۱۹۵۵-۱۸۸۴م / ۱۳۷۴-۱۳۰۱ق / ۱۳۳۴-۱۲۶۲ش) بنیان‌گذار جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۱۸ نیز یکی از این روشنفکران و سیاستمداران قفقازی است که در طول زندگی سیاسی و اجتماعی خود ضمن تلاش به منظور تطبیق اسلام با ایدئولوژی‌های زمان خود، اهداف و اندیشه‌های سیاسی و ناسیونالیستی خود را نیز با گفتمان غالب اسلامی سازگار می‌دید.

۱- برای اطلاع از زندگی و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی وی بنگرید به: حسین آبادیان، «رسول‌زاده، فرقه دموکرات و تحولات معاصر ایران»، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، ۱۳۷۶، صص ۳۴-۴.

گفتمان غالب اسلامی و نحوه مواجهه آن با ایدئولوژی‌ها و جریان‌های سیاسی زمان رسول‌زاده، در دو عرصه نظری- معرفتی و سیاسی همواره به‌عنوان عاملی مؤثر در اندیشه و آثار و نیز فعالیت‌های سیاسی وی خودنمایی می‌کند. از جنبه‌های نظری- معرفتی اندیشه رسول‌زاده در عرصه اسلام، می‌توان به دفاع از اصلاحات دینی، خرافه‌زدایی از دین، تقبیح تظاهر دینی و اختلافات مذهبی اشاره کرد اما در عمل و کنش سیاسی، وی برای پاسخ‌گویی به مسائلی مانند رویکرد اسلام در قبال ایدئولوژی‌های غالب آن روز مانند ناسیونالیسم و سوسیالیسم ناگزیر از اندیشه‌ورزی بود و باید تکلیف خود را در قبال سازگاری یا عدم سازگاری اسلام با ایدئولوژی‌های یادشده آشکار می‌ساخت. در همین راستا، رسول‌زاده با وجود این‌که تابع اندیشه سیاسی خود بوده و از آن پیروی می‌کرد، اما به‌ناچار عمل سیاسی خود را نیز بر پایه تفکر دینی نشان می‌داد؛ یعنی تلاش داشت که بین عمل سیاسی و اندیشه دینی خود تعامل ایجاد کند. به همین منظور و در مقاطع مختلفی از سیر تحول اندیشه‌های خود او از هیچ‌کوشی در تطبیق و سازگاری اسلام با اندیشه‌های غالب زمان خود مانند سوسیالیسم، ناسیونالیسم و پان‌اسلامیسم فروگذار نمی‌کرد.

با وجود این‌که دین اسلام یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی رسول‌زاده است؛ اما توجه بیشتر به جنبه‌های ناسیونالیستی و سوسیالیستی اندیشه‌های رسول‌زاده، آراء و عملکرد سیاسی وی درباره دین اسلام را تحت‌الشعاع قرار داده است؛ این در حالی است که بخش مهمی از اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی رسول‌زاده را رویکرد سیاسی وی نسبت به دین اسلام تشکیل می‌دهد؛ بنابراین بررسی و تحلیل و نیز ارائه خوانشی از اندیشه و کنش سیاسی رسول‌زاده در عرصه دین اسلام، اهداف این پژوهش را تشکیل می‌دهد. در همین راستا، پژوهش حاضر تلاش می‌کند به این سؤالات پاسخ دهد که دین اسلام چه جایگاهی در اندیشه محمدامین رسول‌زاده داشت؟ و مهم‌ترین کنش سیاسی رسول‌زاده در عرصه دین اسلام کدام است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رسول‌زاده هیچ‌گاه از دین اسلام روی‌گردان نبود؛ اما از اسلام برای رسیدن به اهداف سیاسی خود نیز بهره می‌جست. او در راستای اهداف سیاسی خود، از یک‌طرف از تضییق حقوق سیاسی و اجتماعی مسلمانان قفقاز و روسیه توسط تزاریسیم بهره‌برداری کرد و از طرف دیگر، در تلاش بود تا دین اسلام را با ایدئولوژی‌های غالب زمان خود مانند سوسیالیسم و ناسیونالیسم تطبیق دهد.

پیشینه پژوهش

به طور کلی آثار منتشر شده درباره شخصیت و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی رسول زاده را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم‌بندی کرد: دسته اول منابع و تحقیقات فارسی‌زبان است که عمدتاً درباره شخصیت رسول زاده و فعالیت‌های وی در ایران و نیز به طور محدود تأثیر اندیشه‌های وی بر فضای سیاسی و اجتماعی دوره مشروطیت ایران است. از میان آنها می‌توان به کتاب رسول زاده، فرقه دموکرات و تحولات معاصر ایران از حسین آبادیان اشاره کرد. کتاب آبادیان تنها اثر مستقل درباره رسول زاده در زبان فارسی است که نقش رسول زاده در حزب دموکرات و روزنامه ایران نو را به همراه تأثیر اندیشه‌های وی در تحولات سیاسی و اجتماعی دوره مشروطیت تا پهلوی اول بررسی کرده است.

غیر از کتاب آبادیان، اثر مستقل دیگری درباره رسول زاده در زبان فارسی به چشم نمی‌خورد؛ اما در پاره‌ای از تحقیقات به برخی از جنبه‌های اندیشه وی اشاره شده است. کتاب «فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران» از فریدون آدمیت مهم‌ترین اثر تحقیقی درباره اندیشه‌های سوسیالیستی رسول زاده به شمار می‌رود. آدمیت نخستین محقق است که به تحلیل و بررسی سه اثر مهم رسول زاده با عناوین «ورشکستگی سوسیالیسم انقلابی»، «آینده دموکراسی» و «وضعیت سیاسی روسیه» پرداخته است.^۱ اهمیت کتاب آدمیت در بهره‌گیری از برخی آثار رسول زاده است که تا به امروز نه تنها هیچ ترجمه‌ای از این آثار در ایران منتشر نشده است، بلکه در جمهوری آذربایجان زادگاه وی نیز تا چند سال پیش این آثار رسول زاده چاپ نشده بود. با وجود این، آدمیت مطالبی درباره رسول زاده بیان کرده است که صحیح نیست. برای نمونه، او با رد نظر نویسندگانی که معتقدند رسول زاده پس از اخراج از ایران اول به قفقاز و سپس به استانبول رفت، می‌نویسد که رسول زاده پس از ترک ایران مستقیم به استانبول رفت (آدمیت، ۱۳۸۸: ۱۵۶)، این در حالی است که رسول زاده خود از حضور کوتاه‌مدتش در لنکران در سال ۱۹۱۱ خبر داده است (Rasulzade, 2013: IV/ 101). آدمیت هم‌چنین سال و محل مرگ رسول زاده را که سال

۱ - رسول زاده در مدت پناهندگی در استانبول «اوضاع سیاسی روسیه» را در سال ۱۹۲۴ و «ورشکستگی سوسیالیسم انقلابی» را به همراه «آینده دموکراسی» در سال ۱۹۲۸ منتشر کرد.

۱۹۵۵ در آنکارا بود، به‌اشتباه ۱۹۵۴ در استانبول ذکر کرده است (آدمیت، ۱۳۸۸: ۹۶). در همین راستا «آذربایجان در موج‌خیز تاریخ» نیز از جمله تحقیقاتی است که برای تحقیق درباره دیدگاه‌ها و عملکرد رسول‌زاده درباره نام آذربایجان که مهم‌ترین مسئله بین ایران و جمهوری آذربایجان در سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ بود، اهمیت دارد. همچنین محمدعلی رنجبر و فرهاد نوبخت نیز در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر نگرانی روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران در جنگ جهانی اول از منظر روزنامه آچیق‌سوز»، رویکرد محمدمین رسول‌زاده و روزنامه آچیق‌سوز در حمایت از آلمان‌ها در ایران در جنگ جهانی اول را بررسی کرده‌اند.

از دیگر منابع فارسی می‌توان به برخی تحقیقات نیز اشاره کرد که در آن‌ها به‌صورت محدود به فعالیت‌های روزنامه‌نگاری رسول‌زاده در روزنامه ایران نو و تأثیر این روزنامه در فضای سیاسی و اجتماعی جامعه ایران در دوره مشروطیت پرداخته شده است؛ که از میان آن‌ها می‌توان به «تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت» از ادوارد براون، «از صبا تا نیما» از یحیی آرین‌پور و «روزنامه ایران نو (۱)» از ناصرالدین پروین^۱ اشاره کرد.

آخرین گروه از منابع و تحقیقات فارسی‌زبان، شرح‌حال‌ها و خاطراتی است که درباره رسول‌زاده و برخی از فعالان و روشنفکران دوره مشروطیت نگاشته شده و برای تحقیق درباره رسول‌زاده اهمیت دارند. سید حسن تقی‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «پایان یک زندگی پرماجرا» ضمن اشاره کوتاه به سرگذشت سیاسی و اجتماعی رسول‌زاده، از وی با تمجید فراوان یاد می‌کند (تقی‌زاده، ۱۳۳۴: ۳۴۴-۳۴۲). عبدالحسین نوایی در مقاله «حیدرخان عمواغلی و محمدمین رسول‌زاده» گزارشی از زندگی و فعالیت‌های رسول‌زاده در ایران ارائه می‌دهد. رحیم رئیس‌نیا نیز در کتاب «حیدرخان عمواغلی در گذر از طوفان‌ها» به تحلیل و بررسی فعالیت‌های رسول‌زاده در ایران و حزب دموکرات می‌پردازد.

اما دسته دوم از تحقیقات مربوط به رسول‌زاده که بیشترین آثار تحقیقی را در خود جای داده است، پژوهش‌ها و تحقیقات به زبان ترکی آذربایجانی است. محققان جمهوری

۱ - مقاله ناصرالدین پروین با عنوان «روزنامه ایران نو (۱)» در مواردی خالی از اشتباه نیست؛ به عنوان نمونه وی تاریخ مرگ رسول‌زاده را که سال ۱۹۵۵ می‌باشد، ذکر کرده است. بنگرید به: ناصرالدین، پروین (۱۳۸۰). «روزنامه ایران نو (۱)»، مجله ایران‌شناسی، شماره ۵۰، ص ۳۶۵.

آذربایجان وجوه مختلف اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی رسول‌زاده را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما اغلب محققان که در رأسشان «نسیمان یعقوبلو» قرار دارد، با رویکرد ناسیونالیستی اندیشه‌های رسول‌زاده را بررسی کرده‌اند و بیشتر در پی برجسته و متمایز کردن اندیشه و کنش رسول‌زاده در عرصه ناسیونالیسم قومی هستند. باوجوداین، معدود محققانی نیز هستند که اندیشه‌های رسول‌زاده در عرصه دین اسلام را مورد پژوهش قرار داده‌اند؛ که از آن میان می‌توان به کتاب «رسول‌زاده و اسلام» از آخوند حاج سلطان علیزاده اشاره کرد. علیزاده در این کتاب برخی از مقالات رسول‌زاده درباره دین اسلام، مناسبت‌های دینی، احکام دینی و اوضاع مسلمانان قفقاز را به بحث گذاشته است. صرف‌نظر از این که این تحقیق مهم‌ترین تحقیق درباره دیدگاه رسول‌زاده درباره اسلام است، اما بر تحقیق علیزاده سه نقد بنیادین وارد است: اول این که محقق مسئله را با رویکرد ناسیونالیستی دنبال کرده است. نقد دوم، این است که این پژوهش بیشتر به تحلیل و بررسی نظرات شخصی و درکل نظری - معرفتی رسول‌زاده درباره دین اسلام پرداخته است و از کنش‌های سیاسی رسول‌زاده در عرصه دین اسلام که موضوع این تحقیق است، فقط به دفاع رسول‌زاده از حقوق مسلمانان قفقاز آن‌هم به صورت محدود بسنده کرده است. نقد سوم نیز این است که پژوهش موردنظر فاقد ارجاع و استنادات لازم است.

در کنار این، در ترکیه نیز تحقیقات مهمی درباره رسول‌زاده به زبان ترکی استانبولی انجام شده است که نگارنده امکان دستیابی به تحقیقات محققان ترکیه‌ای را پیدا نکرد. از مهم‌ترین محققان ترکیه که تحقیقاتی درباره رسول‌زاده و جمهوری آذربایجان انجام داده است، می‌توان به «صباح‌الدین شیمشیر» اشاره کرد. شیمشیر تحقیقاتی مانند «زندگی، افکار و اندیشه و فعالیت‌های رسول‌زاده در ترکیه»، «سخنرانی‌های محمدامین رسول‌زاده در مجلس مبعوثان در سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰»، «کشمکش‌های استقلال آذربایجان» و «ترک‌های آذربایجانی مقیم ترکیه» را انجام داده است. دیدگاه‌های رسول‌زاده درباره پان‌ترکیسم در روسیه، از مسائل مهمی است که توجه صباح‌الدین شیمشیر را به خود جلب کرده است (Attar, ShimShir, 2013: 191-198).

بدین ترتیب با بررسی پیشینه پژوهش در دو زبان فارسی و ترکی آذربایجانی می‌توان

گفت که با وجود پژوهش‌های قابل توجه درباره زندگی و شکل‌گیری اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی رسول‌زاده، اکثر این آثار از واکاوی اندیشه و کنش سیاسی رسول‌زاده در عرصه دین اسلام غافل شده‌اند و پژوهش حاضر نیز درصدد جبران این نقیصه است.

جایگاه دین اسلام در اندیشه رسول‌زاده

نگرش رسول‌زاده به دین اسلام را می‌توان در دو بعد نظری - معرفتی و سیاسی مطالعه کرد: بُعد نظری - معرفتی اندیشه‌های رسول‌زاده درباره اسلام به جایگاه و پیشینه خانوادگی وی برمی‌گردد. رسول‌زاده در یک خانواده روحانی شیعه به دنیا آمده بود و پدرش ملا علی‌اکبر روحانی سرشناس روستای نوخانی باکو بود. این پیشینه باعث شده بود که رسول‌زاده نسبت به دین اسلام و جایگاه آن در زندگی انسان نظر مساعدی داشته باشد. در نظر او: «دین یک مسئله وجدانی است و هرکس دین خود را بفروشد در واقع وجدان خود را فروخته است» (Alizade, 2003: 54). او درحالی‌که ۱۹ سال بیشتر نداشت، قطعه شعری با عنوان «مخمس» در روزنامه «شرق روس» به چاپ رساند که در آن با اشاره به زحمات پیامبر (ص) در راه گسترش اسلام، اسلام و قرآن را تنها راه سعادت بشر می‌داند (روزنامه شرق روس، ۱۸ مه ۱۹۰۳، شماره ۲۰: ۳).

اما در بُعد دوم یا سیاسی، رسول‌زاده به تبیین و تشریح جایگاه اسلام در مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه می‌پرداخت و تلاش می‌کرد که از آن در راستای اهداف سیاسی خود نیز بهره گیرد. در واقع با وجود این‌که به اصول و احکام شخصی دین وفادار بود، تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه و اهداف و آرمان‌های خود را نیز نمی‌توانست نادیده بگیرد. او در این بُعد از اندیشه‌های خود تحت تأثیر جریان پان‌اسلامیسم در میان مسلمانان روسیه، دفاع از حقوق مسلمانان قفقاز را با اهداف سیاسی خود سازگار دید و از آن به بهترین وجه ممکن در مقابله با تزاریسیم بهره برد. در کنار این، از اهمیت تطبیق اسلام با ایدئولوژی‌های غالب زمان خود به‌عنوان یک حربه مهم سیاسی برای رسیدن به اهدافش نیز غافل نبود. او در مقاطعی از حیات سیاسی و اجتماعی خود به تطبیق اسلام با سوسیالیسم پرداخت اما پس از غلبه ناسیونالیسم بر افکار و اندیشه وی، سازگاری اسلام با ناسیونالیسم را در دستور کار خود قرار داد.

عوامل و زمینه‌های اندیشه و عمل سیاسی رسول‌زاده در عرصه دین اسلام

شرایط سیاسی و اجتماعی قفقاز در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، محیط زندگی و خاستگاه خانوادگی رسول‌زاده نقش انکارناپذیری در اندیشه و عمل سیاسی رسول‌زاده نسبت به دین اسلام داشت. پدر او ملاعلی‌اکبر در سلک روحانیت بود اما به اصول و افکار جدید نیز علاقه نشان می‌داد؛ به همین جهت پسرش محمدمین رسول‌زاده را به مدرسه اصول جدید فرستاد و رسول‌زاده اولین تحصیلات خود را در مدرسه سلطان مجید غنی‌زاده و بعد از آن در یکی از مدارس «روس - مسلمان» یا روس - تاتار (Rus- Tatar Maktabi) که در اواخر قرن نوزدهم در میان مسلمانان رواج یافته بود، به پایان رساند (Yaqublu, 2013: 47). این مدارس با ترویج اندیشه‌های علوم طبیعی و رئالیستی نقش مهمی در اندیشه و حیات سیاسی و اجتماعی روشنفکران قفقاز از جمله رسول‌زاده داشته است (Azerbaijan Xalq Cumhuriyyati Ensiklopediyasi, 2005: II/ 311).

دوره کودکی و نوجوانی رسول‌زاده، اوج مبارزه با استعمار روسیه در قفقاز است که در شکل پان‌اسلامیسم بروز یافت. مدتی بعد و با شعله‌ور شدن آتش جنگ مسلمانان با ارامنه، مسلمانان قفقاز برای نخستین بار به فکر ایجاد یک سازمان سیاسی و نظامی با عنوان «دفاعی» شدند که نقش مهمی در اتحاد سیاسی مسلمانان قفقاز ایفا کرد و برخی از اعضای آن بعدها در ایجاد حزب مساوات نیز نقش داشتند (Azizov, 2009: 47). این زمینه‌ها به همراه اوضاع سیاسی و اجتماعی قفقاز در اوایل قرن بیستم در شکل‌گیری رویکرد سیاسی وی نسبت به دین اسلام تأثیر داشت.

از دیگر زمینه‌های اندیشه و عمل سیاسی رسول‌زاده در عرصه دین اسلام، تأثیرپذیری وی از روشنفکران و متفکران جهان اسلام مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی و احمد آقاوگلو (۱۸۶۹-۱۹۳۹) است. در این میان سید جمال‌الدین اسدآبادی بیشترین تأثیر را بر وی داشته است. رسول‌زاده پیش از آشنایی با اندیشه‌های اسدآبادی در استانبول، از طریق احمد آقاوگلو با آراء سیدجمال آشنا شده بود. احمد آقاوگلو که در سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۹ مدیریت روزنامه‌های «ارشاد» و «ترقی» را بر عهده داشت، خود متأثر از اسدآبادی بود. آقاوگلو در سلسله مقالاتی با عنوان «وضعیت مسلمانان» در روزنامه ترقی، با تبیین و تشریح اوضاع

مسلمانان و مسئله نفوذ استعمار، از اقدامات و فعالیت‌های سید جمال در راستای بهبود وضعیت کشورهای اسلامی به نیکی یاد می‌کند (Agaoglu, 2007: 332).

شاید بتوان گفت که در قفقاز هیچ روشنفکری به اندازه رسول‌زاده از آراء و اندیشه‌های اسدآبادی تأثیر نپذیرفته بود. رسول‌زاده از اندیشه‌های سید جمال درباره لزوم اصلاحات دینی در کشورهای اسلامی استقبال و در این باره می‌نویسد: «از مرحوم سید جمال‌الدین افغانی راه نجات و راستگاری مسلمانان را پرسیدند. او در جواب به لزوم یک «انتباه دینی» اشاره کرد و مبدأ ترقی اروپاییان را نیز در ظهور مارتین لوتر دانست... وقتی این نظر شیخ را سال گذشته در یکی از روزنامه‌های چاپ مصر دیدم، از عمق نظرات وی متحیر شدم» (Rasulzade Asarlari, 2001: II/ 290). او در سال‌های ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۳ که در استانبول به سر می‌برد، به تحقیق در آثار اسدآبادی مانند «فلسفه وحدت جنسیه» پرداخت و با تأثیر از افکار سید جمال‌الدین اسدآبادی به این نتیجه رسید که «بقای جهان اسلام منوط به ترویج خودآگاهی ملی در میان ملل مسلمان می‌باشد» (چاغلا، ۱۳۸۸: ۷۱).

در همین راستا ضیاء گوک آلپ از روشنفکران پان‌ترکیست عثمانی نیز تأثیر زیادی در اندیشه و آراء رسول‌زاده داشت. اندیشه‌های ناسیونالیستی رسول‌زاده بعد از اخراج از ایران و رفتن به استانبول تحت تأثیر گوک آلپ شکل کامل‌تری به خود گرفت و شعار مهم ضیاء گوک آلپ با عنوان «ملتی ترک از امت اسلام و با مدنیت اروپایی» محور اندیشه‌های ناسیونالیستی وی قرار گرفت (Yaqublu, 1991: 36).

به نظر می‌رسد که این زمینه‌ها به همراه آگاهی وی از اندیشه‌های سیاسی و دینی و نیز تحولات فکری و اجتماعی غرب، باعث ارتقاء بینش سیاسی و دینی وی گردید و بر اساس مقتضای زمان، او را به این نتیجه رساند که تلفیق و سازگاری ایدئولوژی‌های جدید با مبانی اسلام بهترین راه مقابله با استعمار روسیه در قفقاز است.

تبیین اندیشه و عمل سیاسی رسول‌زاده در عرصه دین اسلام

هدف رسول‌زاده مبارزه با استعمار روسیه و استقلال ترک‌های مسلمان در قفقاز بود. او برای رسیدن به این اهداف تلاش می‌کرد که هم از ایدئولوژی‌های سیاسی و اجتماعی زمان

خود و هم از قدرت مادی و معنوی اسلام در قفقاز کمک بگیرد. به همین خاطر، او از یک طرف دفاع از حقوق مسلمانان قفقاز را در دستور کار خود قرار داد که منجر به تأسیس «سازمان جوانان مسلمان» و حزب «مساوات» گردید. رسول‌زاده از این دو سازمان سیاسی-دینی که به صورت پنهانی فعالیت می‌کردند، به فعالیت‌های سیاسی خود جنبه دینی می‌داد و به بهترین شکل ممکن از آن‌ها در راستای اهداف سیاسی خود بهره برد و از طرف دیگر در راستای مبارزه با استعمار روسیه در قفقاز، با ایدئولوژی‌های سیاسی و اجتماعی مانند سوسیالیسم و ناسیونالیسم و پان‌اسلامیسم نیز همراهی داشت. او در مقاطعی، یکی از راه‌های مبارزه با استعمار روسیه را در غلبه سوسیالیسم می‌دید و از تطبیق و سازگاری اسلام با سوسیالیسم دفاع می‌کرد؛ اما مدتی بعد و با غلبه ناسیونالیسم بر افکار وی، وی به تطبیق اسلام با ناسیونالیسم و تفسیر ناسیونالیستی از اتحاد اسلام پرداخت. مهم‌ترین کنش سیاسی رسول‌زاده درباره دین اسلام بدین ترتیب است:

الف) دفاع از حقوق مسلمانان قفقاز و روسیه

یکی از مهم‌ترین مسائل مسلمانان قفقاز در جنگ جهانی اول که بیشترین مقالات رسول‌زاده نیز به آن اختصاص داشت، دفاع از حقوق مسلمانان قارص و اردهان بود.^۱ او از هر فرصت و مناسبتی برای کمک به مسلمانان این مناطق و تحریک دشمنی آنان علیه روسیه استفاده می‌کرد (Rasulzade asarlari, 2012: III/ 46-63). رسول‌زاده همچنین روزنامه‌ای با عنوان «قارداش کمکی» (کمک برادری) نیز به منظور حمایت از مسلمانان این مناطق در باکو تأسیس کرد (Ibid: 91-93)؛ اما فقط یک شماره از این روزنامه منتشر شد و پس از آن دیگر انتشار نیافت. او از هیچ تلاشی برای جلب نظر مردم به منظور کمک به مسلمانان قارص و اردهان و محکومیت اعمال مسیحیان افراطی باز نمی‌ایستاد و از روسیه نیز به خاطر عدم جلوگیری از اعمال مسیحیان افراطی انتقاد می‌کرد (روزنامهٔ ینی اقبال، ۶ مه ۱۹۱۵، شماره ۸: ۲). فاجعه مسلمانان قارص و اردهان و شرایط وخیم آن‌ها در اوایل

۱ - قارص و اردهان در شرق عثمانی در پی جنگ روسیه با عثمانی تحت تسلط روسیه قرار گرفت و خیلی از مسلمانان این مناطق آواره شدند. در همین اثنا، عده‌ای از مسیحیان افراطی نیز به بهانه همکاری مسلمانان این مناطق با عثمانی آنان را مورد قتل و غارت شدید قرار داده بودند (Rasulzade asarlari, 2012: III/ 46-63).

جنگ جهانی اول و نیز تلاش رسول‌زاده در جلب کمک‌های مردمی به مسلمانان این مناطق قابل توجه است؛ اما نتیجه این‌گونه اقدامات وی خواسته و یا ناخواسته به نفع اهداف سیاسی رسول‌زاده تمام می‌شد و او توانست با این اقدامات زمینه‌های دو گردهمایی بزرگ مسلمانان قفقاز و روسیه بعد از انقلاب ۱۹۱۷ را فراهم آورد که نقش مهمی در حیات ترک‌های مسلمان قفقاز داشت.

در همین راستا، رسول‌زاده خواستار اعزام یک روحانی مسلمان به جبهه‌های جنگ جهانی اول می‌شود تا سربازان مسلمان کشته‌شده در ارتش روسیه را بر اساس اصول اسلامی دفن کنند و نسبت به هرگونه احتمال دفن سربازان مسلمان در گورهای دسته‌جمعی هشدار می‌دهد (Rasulzade asarlari, 2001: II/512-51). وی از تعطیلات روسیه بر مبنای دین مسیحی نیز انتقاد می‌کرد؛ زیرا در این قرار مسلمانان نیز مجبور بودند روزهای یکشنبه را تعطیل کنند و این امر به تجارت مسلمانان ضرر می‌زد (Rasulzade asarlari, 2012: III/ 137-140). رسول‌زاده این اقدام روس‌ها را تلاش برای «روسی‌سازی» مسلمانان قلمداد کرد (Ibidem). همین‌طور وی از تأسیس یک «دارالعلم» مخصوص برای روحانیون قفقاز دفاع و انتخاب رئیس روحانیون مسلمان از سوی مردم را حق مسلمانان دانست و خواستار خرج کردن موقوفات اسلامی در راه امور مسلمانان شد (آچیق‌سوز، ۹ اکتبر ۱۹۱۵، شماره ۶: ۱-۲). رسول‌زاده اقدام روس‌ها در اخراج همه کارکنان مسلمان از اداره‌ها و جایگزینی آن با افراد روسی را محکوم و این اقدام روس‌ها را یک تحقیر بزرگ برای مسلمانان دانست (روزنامه ارشاد، ۸ آوریل ۱۹۰۸، شماره ۴۷: ۱) و هرگونه تشویشات علیه اسلام و مسلمانان از سوی روس‌ها را آینه عبرتی برای مسلمانان قلمداد می‌کرد که دوست و دشمن خود را بهتر بشناسند (ارشاد، ۱۵ مارس ۱۹۰۸، شماره ۳۳: ۳).

این‌گونه اقدامات رسول‌زاده در دفاع از حقوق مسلمانان قفقاز و روسیه، سه دستاورد مهم سیاسی و ناسیونالیستی برای وی در برداشت: اول، تأسیس سازمان «جوانان مسلمان» در سال‌های بین ۱۹۰۲ تا ۱۹۰۳ است؛ رسول‌زاده در این سازمان مخفی سیاسی-دینی نشان داد که در کنار دفاع از حقوق مسلمانان قفقاز، ویژگی‌های قومی و ناسیونالیستی را نیز دنبال می‌کند؛ زیرا مهم‌ترین فعالیت‌های این سازمان، تحریک احساسات ملی، خواندن آثار ادیبان

محلی به زبان ترکی و حفظ کردن سرودهایی بود که علیه تزاریسیم نوشته شده بود (Rasulzade, 2010: 10). دوم، تأسیس حزب مساوات است؛ حزب مساوات در سال ۱۹۱۱ به توصیه رسول‌زاده که در استانبول به سر می‌برد، توسط سه تن از اعضای سابق حزب همت، تقی نقی‌اف، عباسقلی کاظم‌زاده و محمدعلی رسول‌زاده پسرعموی رسول‌زاده تشکیل شد. مساوات که در واقع «سمبل مطالبات مسلمانان روسیه برای بهره‌مندی از حقوق برابر با روس‌ها بود»، در کنار حمایت از حقوق مسلمانان از اندیشه‌های ناسیونالیستی نیز به دور نبوده و از سال ۱۹۱۳ با رهبری رسول‌زاده جنبه ناسیونالیستی آن بیشتر خودنمایی کرد (چاغلا، ۱۳۸۸: ۷۱). سوم، فدرالی شدن روسیه است؛ بعد از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، دو کنگره در راستای دفاع از حقوق مسلمان روسیه برگزار شد که در این کنفرانس‌ها رسول‌زاده توانست اهداف ناسیونالیستی خود را که سال‌ها به دنبال آن بود، در سایه حمایت از حقوق مسلمانان روسیه محقق سازد. کنگره اول با عنوان «کنگره مسلمانان قفقاز» در آوریل ۱۹۱۷ (جمادی‌الثانی ۱۳۳۵) در باکو تشکیل شد. این کنگره فدرالی شدن روسیه را بهترین راه حفظ حقوق مسلمانان روسیه تشخیص داد و با تشکیل یک سازمان مرکزی برای اداره امور همه مسلمانان وحدت و انسجام آنان را نیز به وجود آورد (رسول‌زاده، ۱۳۸۰: ۳۳-۳۴). در کنگره دوم یا «قوریلته‌ای مسلمانان سراسر روسیه» که به فاصله یک ماه بعد از کنگره باکو تشکیل شد، پیشنهاد رسول‌زاده مبنی بر فدرالی شدن روسیه مورد تصویب قرار گرفت (همان‌جا). دست‌یابی به این اهداف که در سایه دفاع از حقوق مسلمانان قفقاز و روسیه به دست آمده بود، شهرت و محبوبیت رسول‌زاده را نیز در پی داشت. در واقع پس از قوریلته‌ای مسلمانان سراسر روسیه بود که رسول‌زاده به یکی از رهبران بانفوذ ترک‌های مسلمان قفقاز تبدیل شد (Mohammad Amin Rasulzade, 2013: 68, 76).

ب) تطبیق اسلام با سوسیالیسم

با آغاز فعالیت حزب سوسیال‌دموکرات کارگران روسیه در میان مسلمانان قفقاز، رسول‌زاده نیز به همراه برخی روشنفکران مجذوب این ایدئولوژی شد و به‌منظور تبلیغ سوسیالیسم در میان مسلمانان در تأسیس حزب همت مشارکت کرد. هرچند که وفاداری رسول‌زاده به سوسیالیسم زیاد طول نکشید و وی به سمت ناسیونالیسم قومی کشیده شد، اما

شرایط و اهداف سیاسی وی ایجاب می‌کرد که در این مدت کوتاه هم از هر فرصتی برای تطبیق اسلام با سوسیالیسم در میان مسلمانان قفقاز استفاده کند.

سازگاری یا عدم سازگاری دین با سوسیالیسم سال‌ها پیش از رواج سوسیالیسم در قفقاز، یکی از مهم‌ترین مسائل سوسیالیست‌های اروپا بعد از مارکس به شمار می‌رفت. با شکل‌گیری حزب سوسیال‌دموکرات آلمان، تجدیدنظری‌هایی نیز در اندیشه‌های مارکسیستی به وجود آمد. حزب سوسیال‌دموکرات آلمان در برنامه اصلاحی «ارفورت» در سال ۱۸۹۱ در مسئله ناسازگاری سوسیالیسم با دین تجدیدنظر کرده و دین را یک امر شخصی دانست که رسول‌زاده نیز بدان حسن تلقی نشان داد (Resulzade, 2014:26-29)؛ اما شواهد نشان می‌دهد که رسول‌زاده در تلاش برای سازگار نشان دادن اسلام با سوسیالیسم مخصوصاً در اوایل حیات سیاسی و اجتماعی خود اهداف و آمال سیاسی خود را نیز از نظر دور نداشت.

او در اولین روزهای فعالیت خود در حزب همت در مقاله‌ای با عنوان «همه الرجال تغلب الجبال» در تلاش به‌منظور سازگاری اسلام با سوسیالیسم، بر اهمیت تشکیل اتحادیه‌ها در احقاق حقوق مردم و لزوم اتحاد و اتفاق از زبان بزرگان دین تأکید می‌کند (Mohammad Amin Rasulzade ve Ictimai- Siyasi Ideallar, 2005: 275). مدتی نگذشت که مهم‌ترین حیات سوسیالیستی رسول‌زاده در روزنامه سوسیالیستی مشرب «تکامل» ارگان حزب همت شروع شد. رسول‌زاده در روزنامه تکامل دفاع از حقوق کارگران را موافق اصول و احکام اسلامی ارزیابی می‌کرد: «هیچ قانون، هیچ شریعت، هیچ کتاب، هیچ عقل و هیچ علمی به کم بودن اختیارات و حقوق اجتماعی کارگران از معلمان، روحانیون و امیران اشاره نکرده و نمی‌کند» (Alakbarov, 2014: 134) و هیچ‌گونه منع شرعی و حقوقی درباره حضور کارگران مسلمان در اتحادیه‌های کارگری دیگر کشورها نمی‌دید و از آن حمایت می‌کرد (روزنامه تکامل، ۳۰ دسامبر ۱۹۰۶، شماره ۳: ۱-۲). مهم‌ترین اقدام سیاسی رسول‌زاده در سازگاری اسلام با سوسیالیسم در روزنامه تکامل، دعوت از مسلمانان به حضور در تشکلهای سوسیالیستی و حمایت وی از فرقه اجتماعین-عامیون (سوسیال‌دموکرات‌ها) در راستای مبارزه با تزارسیم بود. رسول‌زاده فرقه اجتماعین-عامیون را نماینده حافظ منافع مسلمانان قفقاز می‌نامید و از مسلمانان می‌خواست که در انتخابات دومای دولتی به حزب اجتماعین-عامیون رأی دهند (تکامل، ۱ ژانویه ۱۹۰۷، شماره ۴: ۱-۲).

رسول‌زاده در روزنامه‌ی ارشاد نیز تعدادی مقاله درباره‌ی سازگاری اسلام با سوسیالیسم به چاپ رساند. او در سلسله مقالاتی که با عنوان «فهلله لره دائر» (درباره‌ی کارگران) در روزنامه ارشاد چاپ می‌شد، بر لزوم اتحاد کارگران، اهمیت منافع اقتصادی و هم‌نواپی آن با اسلام تأکید و هشت ساعت کار کارگران را مطابق با احکام اسلامی توجیه می‌نمود (Alakbarov, 2014: 133-135). رسول‌زاده هم‌چنین در مدت حضور در ایران نیز درصدد تطبیق اصول اسلام با سوسیالیسم بود؛ وی در اساسنامه حزب دموکرات، مرام و مسلک این فرقه را «موافق روح مساوات اسلامی» می‌داند (آدمیت، ۱۳۸۸: ۱۱۸).

با وجود این‌که سوسیالیسم و اسلام در مسائلی مانند عدالت اجتماعی، رفع تبعیض و عدم انحصار ثروت در دست طبقه خاص اشتراکاتی دارند، اما از نظر هدف، ویژگی‌ها و مشخصه‌ها تفاوت‌های عمیقی دارند که در این پژوهش مجالی برای پرداختن بدان نیست. رسول‌زاده نیز بدون توجه به تضادهای اساسی میان دین و سوسیالیسم، تنها به اشتراکات در برخی اهداف دو ایدئولوژی اشاره دارد که آن‌هم تنها با هدف مبارزه با تزاریسم بود؛ بنابراین می‌توان گفت که تأکید رسول‌زاده بر لزوم اتفاق و اتحاد، دفاع از حقوق کارگران و دعوت از مسلمانان برای رأی دادن به اجتماع‌یون عامیون از منظر اسلام و بزرگان دین، بیشتر رویکردی سیاسی و در راستای مبارزه با تزاریسم بوده است و به نظر می‌رسد یکی از عوامل تطبیق سوسیالیسم با اسلام در ایران نیز مقابله با تبلیغات مخالفین از جمله اعتدالیون مبنی بر بی‌دینی و الحاد دموکرات‌ها باشد.

از طرفی، رسول‌زاده خود پایبندی آن‌چنان محکمی به سوسیالیسم نداشت و به همراه برخی از اعضای حزب همت هم‌زمان با سوسیالیسم از گرایش‌های ناسیونالیستی نیز برخوردار بود (Ybert, 2013: 8)؛ در واقع مبارزه با سیاست استعماری تزاریسم در قفقاز مهم‌ترین عامل پیوستن برخی روشنفکران مسلمان به سوسیالیسم بود و رسول‌زاده خود نیز بدان اذعان داشت (Azizov, 1997: 59) و مدتی بعد با دوری از سوسیالیسم، به ناسیونالیسم قومی روی آورد. طبعاً رسول‌زاده که اعتقاد محکمی به سوسیالیسم نداشت، در تلاش برای سازگار نشان دادن آن با اسلام نیز، اهداف سیاسی خود را دنبال می‌کرد. رسول‌زاده در تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به تجدیدنظرطلبی در سوسیالیسم، در اروپا نیز

بیشتر از منظر ناسیونالیستی بدان توجه داشت (Resulzade, 2014: 28-30) که به اعتقاد آدمیت: «نگرش سیاسی رسول‌زاده در برداشت کلی او بی‌تأثیر نیست» (آدمیت، ۱۳۸۸: ۲۱۸).

درواقع می‌توان گفت که رسول‌زاده با سوسیالیسم نیز تا زمانی همراهی نشان می‌داد که بتواند از این ایدئولوژی در راستای اهداف و اندیشه‌های سیاسی خود که مهم‌ترین آن مبارزه با نفوذ و استعمار تزاریسیم در قفقاز بود، بهره‌گیری؛ زیرا سوسیالیسم یک ایدئولوژی جهان‌وطنی بود که با اندیشه ناسیونالیسم قومی و سرزمینی رسول‌زاده کاملاً در تضاد بود.

ج) تطبیق اسلام با ناسیونالیسم

بخش مهمی از اندیشه سیاسی رسول‌زاده را ناسیونالیسم تشکیل می‌دهد. اندیشه‌های ناسیونالیستی رسول‌زاده در آغاز بیشتر درباره دفاع از زبان و فرهنگ ترکی و به عبارتی وجهه فرهنگی داشت، اما به مرور و با تأثیرپذیری از متفکران پان‌ترکیست قفقاز و عثمانی شکل قومی و سرزمینی به خود گرفت (نوبخت، ۱۳۹۷: ۳۲-۹). با شکل‌گیری ایدئولوژی ناسیونالیسم قومی و سرزمینی در اندیشه رسول‌زاده، تلاش برای تطبیق و سازگار کردن آن با اسلام نیز در دستور کار وی قرار گرفت.

یکی از مهم‌ترین اهداف رسول‌زاده در تطبیق اسلام با ناسیونالیسم، اسلامی جلوه دادن جریان ناسیونالیسم در قفقاز و ترکی کردن اندیشه‌های اسلامی بود که برای نخستین بار در مجله «دیریلیک» (حیات) بروز یافت. وی هشت مقاله در این مجله با عنوان «ملی دیریلیک» (حیات ملی) به چاپ رساند که در آن‌ها با تبیین جایگاه دین به‌عنوان یک عامل مهم در تمدن یک ملت، بر سازگاری ملیت و دین تأکید داشت: «این که دین را هم یک عامل مدنیت به حساب آوردیم، احتمال دارد برای برخی عجیب به نظر برسد، زیرا نظریه مشهوری وجود دارد که دو فکر دین و ملیت نقیض یکدیگرند. مخصوصاً این نظریه که اسلام با قومیت هیچ‌وقت نمی‌تواند اتفاق کند. این نظریه با وجود این که در نگاه اول صحیح به نظر می‌رسد، اما به نظر ما دو مفهوم (اسلام و ملی‌گرایی) به‌صورت خیلی عالی هم می‌توانند ائتلاف کنند؛ فقط لازم است که این دو مفهوم به‌صورت علمی و جداگانه بررسی شود تا نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها کاملاً تفهیم گردد» (مجله دیریلیک، ۱۶ دسامبر ۱۹۱۴، شماره ۷: ۹۹-۹۸).

رسول زاده درباره پیوند اسلام و ناسیونالیسم اشاره خاصی دارد؛ او معتقد است که پیوند میان اسلام و ناسیونالیسم از زمان‌های گذشته وجود داشت و یکی از مهم‌ترین عامل سقوط بنی‌امیه را در پیوند اسلام و ناسیونالیسم ارزیابی می‌کند: «از زمانی که بنی‌امیه طرفدار امپریالیسم و ناسیونالیسم عرب، برخلاف اصول مساوات و برابری اسلام فقط به [نژاد] عرب اهمیت داد، این موضوع باعث شد که مسلمانان با همراهی ملت‌هایی که ملیت آن‌ها به خطر افتاده بود، متحد شده و با انقراض بنی‌امیه سلسله بنی‌عباس را روی کار آورند» (همان‌جا).

رسول زاده با وجود این که نقش زبان در شکل‌گیری ملیت را بیشتر از دین می‌داند، اما از اتفاق دین و ملیت حمایت و معتقد است که با اتحاد ملیت و دین، وجدان ملی در یک ملت پدید می‌آید (دیریلیک، ۱۴ اکتبر ۱۹۱۴، شماره ۳: ۳۵-۳۴). از طرفی بر نقش دین در حفظ قومیت و ملیت نیز اذعان داشت و معتقد بود که ویژگی‌های دینی باعث تقویت خصوصیات ملی می‌شود (Alizade, 2003: 33). او در این باره به ارامنه اشاره کرده و می‌نویسد که عامل اصلی حفظ هویت ارمنی در طول تاریخ دین ارمنی بوده است (دیریلیک، ۱۶ دسامبر ۱۹۱۴، شماره ۷: ۹۹-۹۸). وی همچنین اعتقاد داشت که ایدئولوژی شیعی ایرانی نیز نه تنها مانعی در برابر ترک‌گرایی صفویان در دوره شاه اسماعیل نبود، بلکه برعکس باعث تقویت ترک‌گرایی آن‌ها نیز شد (Rəsulzadə, 1994: 53)؛ به همین خاطر ایدئولوژی شیعی را یکی از عوامل مهم در ظهور ناسیونالیسم ادبی در میان ترک‌های صفوی دانسته و تألیف و ترجمه کتب ترکی درباره عاشورا و مقتل‌الشهدا مانند «حدیقه‌السعدا» اثر فضولی و «شهدانامه» (ترجمه ترکی روضه‌الشهداء ملا حسین واعظ کاشفی) اثر محمد بن حسین کاتب نشاطی را از نمونه‌های ظهور ترک‌گرایی ادبی می‌داند (Ibid: 54) تحت تأثیر این افکار است که اصلاحات دینی در کشورهای مسلمان را عامل و محرک اصلی ترقی ملی دانسته و از ترجمه قرآن و دعاها به زبان ترکی حمایت می‌کند (دیریلیک، ۱۶ دسامبر ۱۹۱۴، ش ۷: ۹۹-۹۸). به نظر می‌رسد، این اعتقاد رسول زاده نیز متأثر از اصلاحات دینی در اروپا است؛ زیرا اصلاحات دینی در اروپا از همان آغاز با تمایلات ناسیونالیستی همراه بود و از مهم‌ترین نتایج آن می‌توان به گسترش زبان‌های ملی و ترجمه اناجیل اشاره کرد (لطفی، علیزاده، ۱۳۸۹: ۱۵۱-۱۴۲)؛ اما سایه ناسیونالیسم در افکار و اندیشه رسول زاده آن قدر

سنگین بود که وی مهم‌ترین شرط اجرای احکام دینی و شرعی را در استقلال و آزادی ملی یک سرزمین بداند (Alizade, 2003: 40).

یکی از مسائل مهم در اندیشه رسول‌زاده در جریان تطبیق اسلام با ناسیونالیسم، تلاش برای سازگار دادن اسلام با شعار «ترکی شدن، مسلمان شدن و اروپایی شدن» است. این راهبرد برای نخستین بار در سال ۱۹۰۶ از سوی علی بیگ حسین‌زاده (۱۹۴۱-۱۸۶۴) از مهم‌ترین روشنفکران و نظریه‌پردازان پان‌ترکیست قفقاز در اوایل قرن بیستم مطرح شد و مدتی بعد، این شعار، ضیاء گوگ آلف از روشنفکران پان‌ترکیست عثمانی را به شدت تحت تأثیر خود قرار داد و او را به یکی از مهم‌ترین مبلغان ترکی شدن، مسلمان شدن و اروپایی شدن تبدیل کرد (Huseynzade, 2007: 4-10). رسول‌زاده که در استانبول با افکار و اندیشه‌های پان‌ترکیستی گوگ آلف آشنا شد، خیلی زود تحت تأثیر این راهبرد قرار گرفت و آن را محور و نقطه عزیمت سازگاری اسلام و ناسیونالیسم در اندیشه خود قرار داد. البته بسترهای حیات سیاسی و اجتماعی رسول‌زاده پیش از آشنایی با گوگ آلف نیز در این زمینه بی‌تأثیر نبود؛ زیرا او در یک خانواده دینی اما نوگرا به دنیا آمده بود و با تحصیل در مدارس اصول جدید از همان کودکی با ویژگی‌های تجدد نیز در کنار اندیشه‌های غالب زمان وی، مانند پان‌اسلامیسم، سوسیالیسم و ناسیونالیسم آشنایی داشت.

رسول‌زاده تحت تأثیر این راهبرد، سه شرط مهم در زندگی انسان را ملیت، بین‌الملیت و تجدد دانست. وی رکن اصلی ملیت را زبان، اساس بین‌المللی بودن را دین و اساس تجدد را نیز تسلط بر علوم و فنون زمان خود توصیف می‌کند (روزنامه اقبال، ۱۱ دسامبر ۱۹۱۴، شماره ۸۱۱: ۲). آغاز جنگ جهانی اول و شکل‌گیری ایده «عصر ملیت» در اندیشه رسول‌زاده، او را به این نتیجه رساند که تکیه بر راهبرد ترکی شدن، مسلمان شدن و اروپایی شدن، بیش از هر زمان دیگری نیاز جامعه زمان اوست (آچیق‌سوز، ۲ اکتبر ۱۹۱۵، ش ۱: ص ۱)؛ بنابراین از دید وی هر ملتی برای آزاد زیستن باید به سه چیز استناد کند: زبان، دین و زمانه. به اعتقاد رسول‌زاده ملیت ترک‌های مسلمان قفقاز را زبان، بین‌الملیت آن‌ها را دین اسلام و زمانه را نیز تسلط بر علوم و فنون تشکیل می‌دهد (همان‌جا).

این راهبرد باعث شد که رسول‌زاده اسلام را به‌عنوان یک عامل و ویژگی ملی در داخل

اصل ترکی شدن، مسلمان شدن و اروپایی شدن قرار بدهد؛ بنابراین می‌توان گفت که با وجود تأثیر این راهبرد بخصوص در شکل‌گیری ایده «بین‌الملل اسلامی» در اندیشه رسول‌زاده، دغدغه اصلی وی در همسویی اسلام با راهبرد «ترکی شدن، مسلمان شدن و اروپایی شدن»، پیگیری اهداف و اندیشه‌های سیاسی خود بوده است و نقش دین اسلام نیز در این شعار فقط برای تأیید و مشروعیت بخشی به دو رکن دیگر یعنی «ترکی شدن و اروپایی شدن» به شمار می‌رفته است؛ زیرا بر طبق این اصل او دین اسلام را داخل ملیت و به‌عنوان بخشی از اجزای آن قلمداد می‌کرد.

د) تفسیر ناسیونالیستی از مسئله اتحاد اسلام

پان‌اسلامیسم یا اتحاد اسلام یکی از مهم‌ترین جریان‌های سیاسی و دینی تأثیرگذار در قفقاز بود. در شکل‌گیری تشکیلات پان‌اسلامیسم و وحدت مسلمانان روسیه، «اسماعیل گاسپرالی» (۱۸۵۱-۱۹۱۴ میلادی / ۱۳۳۲-۱۲۶۷ ه.ق) که در باغچه‌سرای شبه‌جزیره کریمه روزنامه «ترجمان» را منتشر می‌کرد، نقش مهمی داشت. گاسپرالی شعار وحدت در «زبان و فکر و عمل» را می‌داد و نقش زیادی در وحدت ترک‌های مسلمان روسیه داشت (سه‌ویتوخوفسکی، ۱۳۸۱: ۴۳-۴۴). فعالان این جریان در سه گروه مختلف در میان مسلمانان روسیه ظهور کردند: جریان اول که اتحاد همه مسلمانان را در قالب «امت اسلام» به رهبری ایران یا عثمانی دنبال می‌کرد، پس از مدتی جای خود را به طرفداران اتحاد همه مسلمانان روسیه (روسیانین مسلمانلیق اتفاقی) داد. جریان دوم بعد از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه با عنوان حزب «اتحاد» در قفقاز ظاهر شد و در دوره حکومت جمهوری آذربایجان (۱۹۱۸) نیز فراکسیونی به همین نام تشکیل داده و فعالیت می‌کردند. حزب اسلام‌گرای اتحاد هیچ‌وقت با خودمختاری سرزمینی موافق نبود و آن را یک تفرقه در میان مسلمانان روسیه می‌دانست. این حزب فقط با خودمختاری مدنی و فرهنگی برای ترک‌های مسلمان موافق بود (Azizov, 1997: 101-102)؛ اما گروه سوم متشکل از رسول‌زاده و حاجینسکی ملی‌گرایانی بودند که در کنار پان‌اسلامیسم، اندیشه‌های ناسیونالیستی و قومی خود را نیز پیش می‌بردند (دهقان‌نیری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

مطالعه زندگی‌نامه و آراء رسول‌زاده نشان می‌دهد که وی رویکرد کاملاً متفاوتی نسبت

به مسئله اتحاد اسلام دنبال می‌کرد. او حتی قبل از آشنایی با ناسیونالیسم قومی نیز نسبت به مسئله اتحاد بر اساس «امت اسلام» بدبین بود و آن را برای نخستین بار در «تنقید فرقه اعتدالیون» بروز داد. پس از مدتی با تأثیرپذیری از اندیشه ناسیونالیسم قومی و سرزمینی، از اتحاد مسلمانان در قالب ملت‌های مسلمان حمایت کرد.

رسول‌زاده در تنقید فرقه اعتدالیون می‌نویسد که مسلمانان تنها به‌صرف مسلمان بودن نمی‌توانند، از جهات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز متفق شوند: «... اگر کسی ادعایی بکند که این‌همه مسلمان‌ها به‌واسطه خاطر دین خودشان، از همه حیث چه از جهت سیاسی و چه از جهت اجتماعی و اقتصادی متحد و متفق‌اند آیا حرف بی‌پوده نگفته است؟» (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۷۷-۷۶).

توجیه دیگر رسول‌زاده در نفی اتحاد بر اساس امت این است که به عقیده وی مدنیت بشری از مجموع مدنیت‌های ملی به وجود می‌آید و دین تنها بخشی از یک مدنیت ملی است. در همین راستا، رسول‌زاده اتحاد گرجی‌های مسلمان با دولت گرجستان را به خاطر نژاد گرجی مشهود می‌داند اما کمک ترک‌های مسلمان به مسلمانان آجار گرجستان را نیز در راستای «بین‌الملل اسلامی» یعنی داشتن اخلاق و تاریخ دینی مشترک با آن‌ها توجیه می‌کند و معتقد است که این کمک هیچ خللی به وحدت ملی گرجی‌ها وارد نمی‌کند (آچیق‌سوز، ۳۱ ژانویه ۱۹۱۶، شماره ۹۹: ۲).

او اتحاد اسلام را آرزویی غیرممکن قلمداد می‌کرد اما برعکس اتحاد همه ترک‌ها، فارس‌ها و عرب‌ها را قابل قبول و حتی لازم می‌شمرد و معتقد بود که اگر ملت‌های مسلمان به‌صورت یک حکومت و ملت درآیند، آن موقع هم اتفاق اسلام رخ می‌دهد نه اتحاد (رسول‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۷)؛ زیرا به این باور رسیده بود که در دنیا حکومت‌ها را بر اساس ملیت آن‌ها می‌توان تقسیم‌بندی کرد و برای اتحاد آن‌ها باید فدراسیونی از ملت‌های مسلمان در مقابله با بیگانگان متحد شوند نه اتحاد بر اساس امت (همان‌جا).

به نظر می‌رسد، سه عامل مهم در تفسیر ناسیونالیستی رسول‌زاده از اتحاد اسلام و دفاع وی از اتحاد بر اساس ملت‌های مسلمان به‌جای امت اسلامی تأثیرگذار باشد؛ عامل اول، تأثیرپذیری او از اوضاع و شرایط کشورهای مسلمان در اوایل جنگ جهانی اول است. شرایط

وخیم کشورهای بزرگ اسلامی مانند عثمانی، ایران و ناتوانی آن‌ها در مقابله با کشورهای استعمارگر غربی ناکارآمدی اتحاد بر اساس امت اسلام در نزد رسول‌زاده را رقم زد. در این میان، شکست ترکیه عثمانی در جنگ بالکان و به‌تبع آن در جنگ جهانی اول از روسیه، نقش مهمی داشت. او شکست عثمانی در جنگ جهانی اول و استقلال مناطقی مانند عربستان و سوریه را شکست اسلام‌گرایی و عثمانی‌گرایی دانسته و تفکر عثمانی را نیز ورشکسته به حساب آورد. به نظر وی «اکسیر مسلمانی» سلطان سلیمان قانونی که زمانی یک تدبیر مهم در مقابله با بیگانگان به حساب می‌آمد، در برابر «کیمیای ملیت» مؤثر واقع نشد (Rasulzade Asarlari, 2014: V / 168-173).

عامل دوم در تفسیر ناسیونالیستی رسول‌زاده از اتحاد اسلام، تأثیرپذیری از آراء سید جمال‌الدین اسدآبادی است. اسدآبادی به نقش و اهمیت ناسیونالیسم در مقابله با بیگانگان باور داشت و معتقد بود که در مواردی تعصب قومی هم می‌تواند در مقابله با بیگانگان مؤثر باشد؛ اما همیشه نسبت به ماهیت و کارکردهای آن در جامعه اسلامی تردید داشت و معتقد بود که کشورهای غربی قصد دارند با جایگزین کردن تعصب قومی به‌جای تعصب دینی در جوامع اسلامی تجزیه جهان اسلام را رقم زنند (ظریفیان و تقوی سنگدهی، ۱۳۸۹: ۶۵-۶۴). این در حالی است که رسول‌زاده هیچ‌گونه تردید و نگرانی به کارکرد منفی تعصب قومی در جوامع اسلامی به خود راه نداد و عامل سوم، شکل‌گیری اندیشه «بین‌الملل اسلامی» در افکار رسول‌زاده است که باعث شد وی از اتحاد در قالب کشورهای مسلمان به‌جای اتحاد بر اساس امت اسلام حمایت کند.

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله، بررسی اندیشه و عمل سیاسی محمدامین رسول‌زاده در عرصه دین اسلام بود. چنان‌که ملاحظه شد، رسول‌زاده باور به دین اسلام را هیچ‌گاه از دست نداده است اما شرایط سیاسی و اجتماعی قفقاز در سال‌های اول حیات سیاسی و اجتماعی رسول‌زاده، به همراه جریان‌های پان‌اسلامیسم، جنگ‌های آرامنه با مسلمانان، سوسیالیسم و ناسیونالیسم از یک طرف و ارتباط با اندیشمندان بزرگ پان‌ترکیست و پان‌اسلامیست از جمله ضیاء گوک آلپ و سید جمال‌الدین اسدآبادی از طرف دیگر، کنش سیاسی وی در قبال دین اسلام را

تعیین کرده و بر آن تأثیر گذاشته است. یکی از مسائل مهمی که رسول‌زاده با رویکرد سیاسی آن را دنبال می‌کرد، سیاست استعماری روسیه تزاری در میان مسلمانان قفقاز بود. رسول‌زاده از ظلم و تضییق حقوق مسلمانان توسط روسیه تزاری به بهترین نحو ممکن در راستای اهداف سیاسی خود استفاده نمود که در نتیجه آن توانست به یکی از مهم‌ترین اهداف ناسیونالیستی خود یعنی فدرالی شدن روسیه دست یابد. در عرصه سوسیالیسم نیز رسول‌زاده که تلاش داشت با سلاح سوسیالیسم به جنگ تزاریسم برود، به‌منظور همراه کردن مسلمانان قفقاز و روسیه با اهداف سیاسی خود، بر سازگاری اسلام و سوسیالیسم تأکید داشت. با دوری از سوسیالیسم و شکل‌گیری ناسیونالیسم قومی در اندیشه رسول‌زاده، وی به‌منظور عینیت بخشیدن به اصول و عناصر ناسیونالیسم قومی در میان مسلمانان قفقاز بسیار کوشید و از اسلام نیز در جهت مشروع جلوه دادن اندیشه‌های ناسیونالیستی خود به‌خوبی بهره برد. بی‌تردید یکی از بنیادی‌ترین عناصر موجود در اندیشه ناسیونالیستی رسول‌زاده راهبرد «ترکی شدن، مسلمان شدن و اروپایی شدن» بود. او بر طبق این اصل، مدنیت بشری را متشکل از سه عنصر ملیت، بین‌المللیت و تجدد می‌داند که در آن مسلمانان بر اساس مسلمان بودن در بین‌الملل اسلامی قرار می‌گیرند؛ وی با اتکا به این اصل، از یک طرف با تأکید بر نقش دین به‌عنوان یک عامل مهم در تمدن انسانی، بر تطبیق و سازگاری دین و ناسیونالیسم اصرار داشت و از طرف دیگر با روی‌گردانی از اتحاد بر اساس امت اسلام، به تبیین و تشریح بین‌الملل اسلامی پرداخت و از اتحاد اسلام فقط در قالب اتحاد ملت‌های مسلمان حمایت کرد.

منابع

- آبادیان، حسین (۱۳۷۶)، *رسول‌زاده، فرقه دموکرات و تحولات معاصر ایران*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- آدمیت، فریدون (۱۳۸۸)، *فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران*، تهران، گستره.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۶۱)، *مرام‌نامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی ایران در دومین دوره مجلس شورای ملی*، تهران، نشر تاریخ ایران.
- پروین، ناصرالدین (۱۳۸۰)، «روزنامه ایران نو (۱)»، *مجله ایران‌شناسی*، شماره پنجاه.
- تقی‌زاده، سیدحسین (۱۳۳۴)، «پایان یک زندگی پرماجرا»، *مجله سخن*، شماره چهارده.
- چاغلا، چنگیز (۱۳۸۸)، *سیاست و ملی‌گرایی در آذربایجان*، ترجمه جلیل یعقوب‌زاده. تبریز، ندای شمس.
- دهقان‌نیری و همکاران (۱۳۹۱)، «اندیشه اتحاد اسلام در میان مسلمانان قفقاز جنوبی (۱۹۲۰-۱۸۷۰)»، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ش پنجم.
- رسول‌زاده، محمدمبین (۱۳۸۰)، *جمهوری آذربایجان، چگونگی شکل‌گیری و وضعیت کنونی آن*، ترجمه سلام تقی‌زاده، تهران، شیرازه.
- _____ (۱۳۸۶)، *سیاوش زمانه*، ترجمه پرویز زارع شاهمرسی. تبریز، بی‌نا.
- سه‌یتو خوفسکی، تادیوش (۱۳۸۱)، *آذربایجان روسیه (۱۹۲۰-۱۹۰۵) شکل‌گیری هویت ملی در یک جامعه مسلمان*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران، شادگان.
- ظریفیان، غلامرضا و سیده‌لیلا تقوی سنگدهی (۱۳۸۹)، «بررسی تطبیقی آرای سید جمال‌الدین اسدآبادی و حسن حنفی درباره غرب»، *جستارهای تاریخی، دوره اول*، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- لطفی، نقی. محمدعلی علیزاده (۱۳۸۹)، *تاریخ تحولات اروپا در قرون جدید*، تهران: سمت، چاپ هفتم.

- نوبخت، فرهاد (۱۳۹۷)، «تحلیل و بررسی سیر تحول اندیشه‌های سوسیالیستی و ملی‌گرایی محمدامین رسول‌زاده از سال ۱۹۰۲ تا ۱۹۲۰»، *کارنامه تاریخ*، ش ۹، بهار و تابستان ۹۷.

نشریات

- *روزنامه آجیق‌سوز*، ۱۹۱۵، شماره‌های ۱، ۶؛ ۱۹۱۶، شماره ۹۹.
- *روزنامه ارشاد*، ۱۹۰۸، شماره‌های ۳۳، ۴۷.
- *روزنامه اقبال*، ۱۹۱۴، شماره ۸۱۱.
- *روزنامه تکامل*، ۱۹۰۶، شماره ۳؛ ۱۹۰۷، شماره ۴.
- *روزنامه ثشرق روس*، ۱۹۰۳، شماره ۲۰.
- *روزنامه ینی اقبال*، ۱۹۱۵، شماره ۸.
- *مجله دیرلیک*، ۱۹۱۴، شماره‌های ۳، ۷.
- Agaoglu, Ahmad (2007), *Sechilmish Asarlari*, Baki: Sharq- qarb.
- Alakbarov Faiq (2014), *Mohammad Amin Rasulzadenin Dunyagorushu*, Baki: e-nashri.
- Alizade, Sh. H (2003), *Mohammad Amin Rasulzade ve Islam*, Baki.
- Attar, Aygun; Sebahattin Shimshir, (2013), *Turkiyede yashayan Azerbaycan Turkleri*, Ankara: Berikan Ofset Matbaa.
- *Azerbaycan Xalq Cumhuriyyati Ensiklopediyasi*, (2005), II c, Baki: Lider Nashriyyati.
- Azizov T. A (1997), *Azerbaycan xx asrin avvallarinde*, Baki: Zaman.
- Azizov, Eldar (2009), *Difai*, Baki.
- Huseynzade, Ali Bey, (2007), *Sechilmish Asarlari*, Baki: Sharg-qarb.

- **Mohammad Amin Rasulzade ve Ictimai-siyasi Ideallar** (2005), Baki: Xazar Universitəsi.
- Rasulzade, M.A. (2001), **Asarlari (1909-1914), II c**, Baki: shirvannashr.
- _____ (2012), **Asarlari (1914-1915), III c**, Baki: Elm.
- _____ (2013), **Asarlari (1916-aprel 1918), IV c**. Baki: Qanun.
- _____ (2014), **Asarlari (1918-aprel 1920), V c**. Baki: Qanun nashriyyati.
- _____ (1994), **Bolsheviklerin Sharq siyasati**, Baki. Sabah.
- _____ (2010), **Stalinle ixtilal xatiralari**, Baki: Qanun.
- Resulzade, Mehmet Amin, (2014), **Ihtilalci Sosializm Ve Demokrasi**, Istanbul: Dogu Kitabevi.
- Yaqublu, Nasiman (2013), **Mohammad Amin Rasulzade Ensiclopediyasi**, Baki: "OL" MMC Nashriyyati.
- _____ (1991), **Mohammad Amin Rasulzade (Azərbaycanın Gorkamli Adamı)**, Baki: Ganclik.
- Ybert, Edith (2013), “Islam, nationalism and socialism in the parties and political organisations of Azerbaijani Muslims in the early twentieth century”, **Caucasus Survey**, Vol.1, No.1.